

## بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران

روح اله رضائی<sup>۱</sup>، فرشته میری کرم<sup>۲</sup>

۱- دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان  
۲- دانش آموخته دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان

### چکیده

هدف این تحقیق بررسی بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان بود. جامعه آماری آن ۱۱۸۸ تن دانشجویان تحصیلات تکمیلی گرایش های کشاورزی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران بود که بر پایه جدول کرجسی-مورگان، ۲۹۱ تن از آنان با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب گزینش شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظرسنجی از متخصصان مورد تأیید قرار گرفت و روایی سازه و پایایی ترکیبی ابزار تحقیق نیز با برآورد مدل اندازه‌گیری و پس از اعمال اصلاح های ضروری به دست آمد. داده های گردآوری شده با استفاده از مدل سازی معادله های ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحقیق گویای آن بودند که پنج عامل: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، ضعف مهارت های نوآورانه و عملی، مسایل انگیزشی و ضعف برنامه ریزی، دارای تأثیر منفی و معنی داری بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان بوده و ۷۲ درصد از واریانس آن را تبیین کردند. هم چنین، بر پایه شاخص های برازش، ساختار مدل پژوهش تأیید شد و چارچوب نظری تحقیق با واقعیت هم خوانی داشت.

**کلید واژه‌ها:** آموزش عالی کشاورزی، مهارت های کارآفرینانه، بازدارنده های کارآفرینی، محتوای آموزشی.

نویسنده‌ی مسئول: روح اله رضائی

رایانامه: rohollahrezaei@yahoo.com

دریافت: ۹۴/۰۲/۰۱؛ پذیرش: ۹۴/۰۵/۱۹

## مقدمه

که با توجه به شرایط در حال تغییر جامعه جهانی و شتاب این تغییرها، ضروری است افراد یاد بگیرند که چگونه در سرتاسر زندگی خود به صورت کارآفرینانه رفتار کنند. بنابراین، دامنه ی آن بسیار گسترده تر از تنها راه اندازی و مدیریت کسب و کار می باشد (سیدنقوی و همکاران، ۱۳۹۰). آموزش کارآفرینانه شامل فعالیت هایی با هدف تقویت فکرها، نگرش ها و مهارت های کارآفرینی است و گستره ای از مخاطبان، هدف ها، محتوا و روش های آموزشی را در بر می گیرد (فایول و گایلی، ۲۰۰۸). در الگوی نظری دیده بان جهانی کارآفرینی، آموزش کارآفرینانه به منزله ی یکی از مهم ترین عامل های محیط کارآفرینانه در نظر گرفته شده که می تواند به شکل عمده ای بر سطح گرایش ها، فعالیت ها و اشتیاق کارآفرینانه تأثیرگذار باشد (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰).

این نوع آموزش ها به فراگیران فرصت می دهند که پیش از وارد کردن دیدگاه ها و فکرهای خود به عرصه ی واقعی کار، آن ها را آزمایش کرده و ضعف و قوت آن ها را شناسایی کنند (مانتسوری، ۲۰۰۶). آموزش کارآفرینانه درکی از شغل ها، هدف ها و ساختارهای شغلی را برای فراگیران فراهم کرده و به شکل گیری دیدگاه های کارآفرینی مثبت در ذهن آنان کمک می کند (چانگ و همکاران، ۲۰۰۵). بر پایه آن چه اشاره شد، بسیاری از دانشمندان و صاحب نظران بر این باورند که آموزش های کارآفرینانه آسانگر و هموارساز فعالیت های کارآفرینی بوده و می توانند نقش اساسی در ایجاد و تقویت مهارت های کارآفرینانه در دانشجویان و آماده کردن آنان برای ورود به کسب و کارهای جدید و نوآورانه ایفا کنند (پاپایاناکیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ آستریک و ون پراگ، ۲۰۱۰).

درباره ی مفهوم مهارت های کارآفرینانه، این نوع مهارت ها به سطح خبرگی و توانایی به دست آمده با آموزش، تجربه کاری و اجتماعی مرتبط با یک حرفه و موقعیت کاری خاص گفته می شود (محمدی الیاسی و همکاران، ۱۳۹۱). اولانگجو (۲۰۰۴)، مهارت کارآفرینانه را توانایی یک فرد در تشخیص و بهره برداری از یک فرصت و ایجاد یک بنگاه کسب و کار کوچک یا بزرگ مقیاس، نه تنها برای کسب درآمدهای فردی، بلکه برای ایجاد سودمندی های اجتماعی می داند. در واقع، مهارت های کارآفرینانه

بی کاری جوانان و دانش آموزان دانشگاهی یک مساله ی جهانی رو به رشد (شمبیر، ۲۰۱۳) و در عین حال، یکی از چالش های بسیار مهم آموزش عالی بوده و در این میان، سیاست های دولت برای خصوصی سازی و کوچک سازی نیز موجب کاهش استخدام و جدی تر شدن این چالش شده است (حسین پور و رضایی، ۱۳۸۹). از این رو، رایج رویکردی جدید از اشتغال و گذر از کاربایی به کارآفرینی، یکی از اصلی ترین راهکارهای رویارویی با چالش بی کاری بوده و این موضوع، به ویژه برای دانشجویان که در مقایسه با افراد بدون تحصیلات دانشگاهی به دنبال خود اشتغالی هستند، بسیار اهمیت دارد (زامپتاکیس و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به اهمیت موضوع، امروزه دانشگاه ها در سراسر جهان به شکل ویژه ای بر آموزش های کارآفرینانه تمرکز کرده و برنامه ریزی مدونی را برای توسعه چنین آموزش هایی طراحی و اجرا کرده اند (دش پاند، ۲۰۱۴).

ارایه آموزش های کارآفرینانه گامی مهم در توسعه اقتصادی کشورها به شمار می آید. این نوع آموزش ها که از تجربه های گوناگونی تشکیل شده اند به افراد دورنمایی می دهند تا از فرصت های مختلفی که وجود دارد، به شکل مناسبی استفاده کنند (عابدینی بلترک و عقیلی، ۱۳۹۱). درباره مفهوم آموزش کارآفرینانه، تعریف ها و برداشت های پرشماری از سوی صاحب نظران و دانشمندان گوناگون ارایه شده است؛ در این زمینه، رشید (۲۰۰۰)، بر این باور است که آموزش کارآفرینانه به برنامه هایی اشاره دارد که دانش و آگاهی های مربوط به کارآفرینی را برای هدف های شغلی ارتقا می دهد و آموزش مهارت هایی را برای گسترش کسب و کارهای جدید فراهم می کند.

کردنائیچ و اکبری (۱۳۸۶)، نیز آموزش کارآفرینانه را بر حسب خلاقیت و نوآوری که در عرصه های اجتماعی، دولتی و کسب و کاری به کار گرفته می شود، تعریف کرده اند. در یک برداشت جامع، می توان بیان داشت که آموزش کارآفرینانه بر دامنه ی گسترده ای از شایستگی ها، توانمندی ها و مهارت ها برای یادگیری کارآفرینانه تأکید دارد. از آنجا که در این آموزش، باور بر این است

دانشجویان انجام داده اند (آراستی و همکاران، ۱۳۹۰). هر چند، تجربه های به دست آمده در این زمینه نشان می دهند که برخلاف برنامه ریزی ها و فعالیت های صورت گرفته، در عمل این آموزش ها با تنگناهای پرشماری روبه رو شده و نتوانسته اند مهارت های عملی و کارآفرینانه کافی در دانشجویان را ایجاد کنند (کریمی و جوهری، ۱۳۹۲).

برای نمونه، در این زمینه نتایج بررسی های مرادی و شعبانعلی فمی (۱۳۸۹) و بادسار و همکاران (۱۳۹۴)، نشان دادند که دانشجویان رشته های کشاورزی دارای قابلیت ها و مهارت های شخصی کارآفرینانه ی به نسبت پایینی از نظر سطح خطرپذیری، خلاقیت و انگیزه پیشرفت بودند. هم چنین، یافته های تحقیق حسین پور و رضایی (۱۳۸۹)، نشان دادند که مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی مانند شناخت فرصت ها، ابتکار در انجام کارها، مهارت های حل مساله، مهارت های رهبری و ارتباطات، تولید خدمت ها و محصول های جدید و مهارت های ایجاد شبکه و برقراری ارتباط حرفه ای و تخصصی در سطح متوسط و پایین قرار داشتند.

در تحقیق دیگری، رضایی و همکاران (۱۳۹۱)، تأکید دارند که در سرفصل و محتوای کلی درس های کشاورزی در مقطع های مختلف توجه چندانی به آموزش مهارت های عمومی کسب و کار چون مهارت های برقراری ارتباط اثربخش، مهارت های تصمیم گیری، مهارت در کار با فناوری اطلاعات، گرفتن مشاوره از دیگران و مهارت های نوشتاری نشده و در نتیجه، دانشجویان کشاورزی از نظر چنین مهارت هایی در سطح پایینی قرار دارند (میری کرم، ۱۳۹۲). افزون بر آن چه اشاره شد، در آموزش های کشاورزی به توسعه برخی مهارت های کارآفرینانه دیگر به ویژه مهارت های مرتبط باگزینه نوع کسب و کار و مکان و نام کسب و کار نیز توجه نشده (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱) و دانشجویان مهارت کافی در این زمینه ها را ندارند.

بی تردید، نخستین گام برای رفع بازدارنده های گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی و تربیت دانش آموختگان کارآفرین، ماهر و توانمند، شناسایی دقیق این بازدارنده ها است تا بتوان با به دست آوردن اطلاعات ضروری، برنامه ریزی اثربخش تری را در آموزش های کشاورزی داشت (رضایی، ۱۳۹۰)؛ بر این پایه و با در

مهارت های مورد نیاز برای موفقیت در کسب و کاری هستند که افراد را قادر می سازند تا یک بنگاه اقتصادی را راه اندازی و تأمین مالی کرده و آن را به شکل موفق گسترش دهند (آدیمو، ۲۰۰۹). در رابطه با انواع مهارت های کارآفرینانه، نظریه های گوناگونی از سوی محققان ارایه شده است؛ برای نمونه، لینگ و همکاران (۲۰۰۳)، این مهارت ها را در قالب مهارت های علمی یا آکادمیک (ارتباطات، تفکر و یادگیری)، مهارت های مدیریت فردی (نگرش و رفتار مثبت، مسئولیت پذیری و سازگارپذیری) و مهارت های کارگروهی (توانایی همکاری با دیگران) بیان کرده اند.

در دسته بندی دیگری، گریس و آیهوما (۲۰۱۳)، مهارت های کارآفرینانه را شامل مهارت های فنی، مهارت کار با فناوری های مرتبط و مهارت های ارتباطی و رابطه میان فردی در نظر گرفته اند. رادمن (۲۰۰۸)، مهارت های کارآفرینانه را در پنج دسته شامل مهارت های شخصی (مهارت های مرتبط با شناسه های فردی کارآفرینان شامل خطرپذیری، خلاقیت و نوآوری، فرصت شناسی و کنترل و نظم درونی)، عمومی یا پایه (مهارت های عمومی کسب و کار مانند مهارت در برقراری ارتباط اثربخش، مهارت های نوشتاری و شنیداری، مهارت در کارگروهی و مهارت در کار با فناوری اطلاعات)، مدیریتی (اداره اثربخش کسب و کار و مهارت های مدیریتی شامل مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی، مدیریت بازار و مدیریت فنی)، راهبردی (مهارت در ارزشیابی و نظارت بر کسب و کار، مهارت در برنامه ریزی بلندمدت و مهارت در تصمیم گیری) و فرصت شناسی (شامل مهارت در شناسایی فرصت های کسب و کار، مهارت در نوآور بودن، مهارت در مدیریت خطر و مهارت در تشخیص چالش ها و تهدیدهای محیطی کسب و کار) بر شمرده است.

همان گونه که اشاره شد، در سال های اخیر رویکرد بسیاری از دانشگاه های جهان تربیت دانشجویان و دانش آموختگان کارآفرین بوده است (زالی و همکاران، ۱۳۸۶)؛ بر این پایه، در ایران نیز دانشگاه ها به بحث های مرتبط با کارآفرینی روی آورده و فعالیت های پرشماری را برای گسترش کارآفرینی و تقویت نقش آموزش های کارآفرینانه در ایجاد، توسعه و تغییر در گرایش، دانش و مهارت

های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران انجام گرفت. البته در این باره، پژوهش های پرشماری در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است که خلاصه ی آن ها در جدول ۱ درج شده است.

نظر گرفتن آن چه که در مورد پایین بودن سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی اشاره شد، نیز با توجه به اهمیت این مهارت ها به منزله یکی از پیش شرط های اصلی برای راه اندازی و آغاز کسب و کار، این تحقیق با هدف بررسی بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت

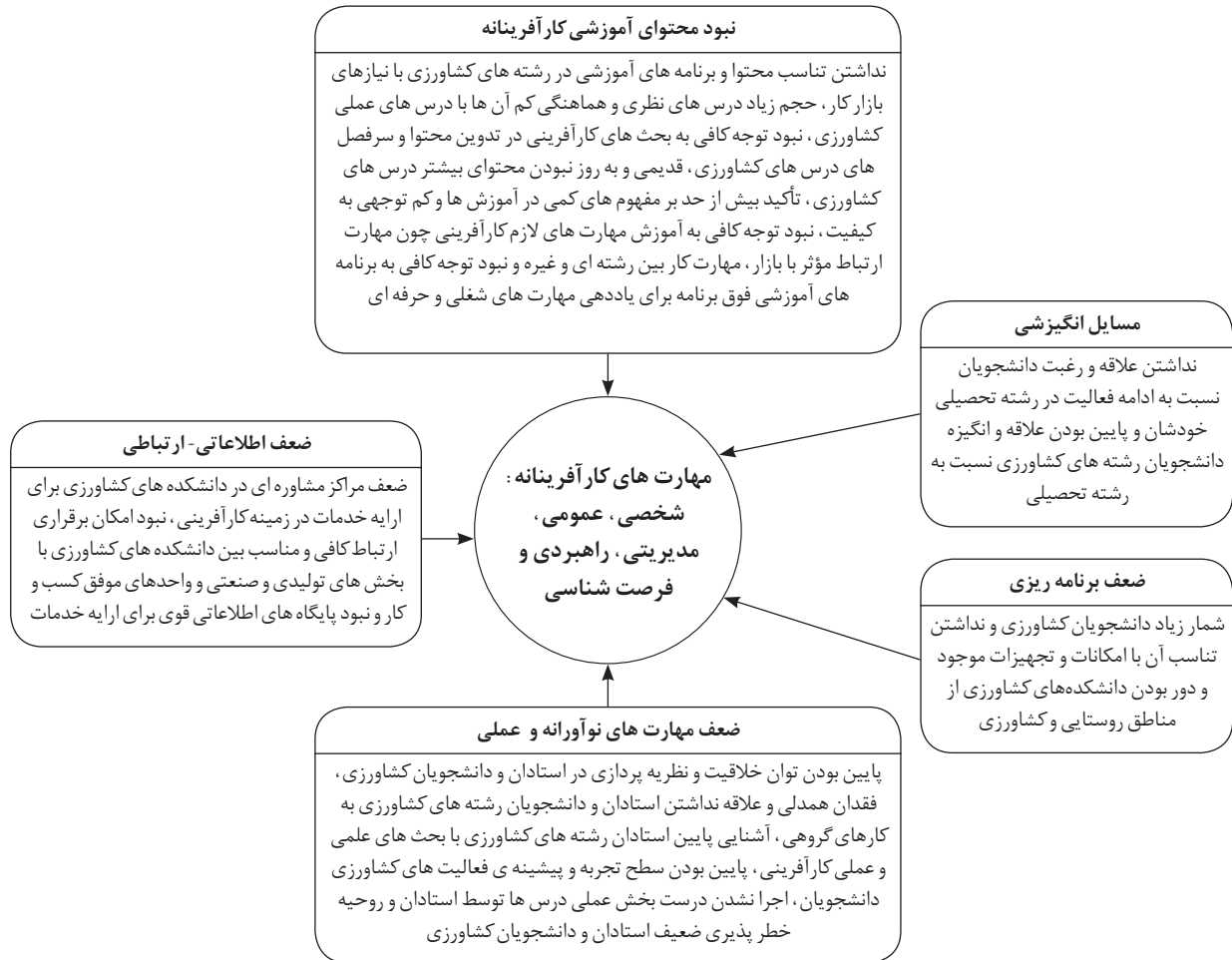
**جدول ۱- خلاصه ی پژوهش های تجربی انجام گرفته در داخل و خارج از کشور برای شناسایی بازدارنده های کارآفرینی آموزش عالی کشاورزی**

پژوهشگر/سال	عنوان	خلاصه یافته ها (بازدارنده ها)
حسینی و همکاران (۱۳۸۹)	شناسایی و واکاوی بازدارنده های کارآفرینی آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران	پشتیبانی، آموزشی، برنامه ریزی، سیاست گذاری و حرفه ای
رضایی (۱۳۹۰)	بازدارنده های گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در دانشگاه زنجان	آموزشی-محتوایی، زیرساختی-پشتیبانی، مدیریتی و فردی- روان شناختی
خسروی پور و منجم زاده (۱۳۹۰)	دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در زمینه عامل ها و بازدارنده های مؤثر در کارآفرینی و اشتغال	ناآگاهی از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی و سطح نامناسب دانش و مهارت های تجربی و شغلی دانش آموختگان کشاورزی
کریمی و جوهری (۱۳۹۲)	عامل های بازدارنده توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشکده های کشاورزی استان تهران	آموزشی، حمایتی، ارتباطی، نگرشی، سیاست گذاری و فرهنگی
سعدی و همکاران (۲۰۱۳)	بررسی دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد نسبت به بازدارنده های کارآفرینی کشاورزی در دانشگاه های رازی کرمانشاه، بوعلی همدان و رامین اهواز	بی توجهی دانشگاه ها به نیازهای بازار کار، نبود راهبرد و مدل اثربخش کارآفرینی در رشته های کشاورزی، نبود امکان حمایت دولت از کسب و کارهای کشاورزی و نداشتن علاقه و انگیزه دانشجویان برای اشتغال در بخش کشاورزی
شمیر (۲۰۱۳)	بررسی بازدارنده های کارآفرینی دانشجویان در آفریقای جنوبی	مناسب نبودن سرفصل ها و محتوای درس ها، نبود امکان استفاده از روش های تدریس درست، پایین بودن سطح مهارت های عملی آموزشگران و فراگیران، نبود حمایت های کارآفرینانه و نبود حمایت های کافی از سوی خانواده و دولت برای تشویق دانشجویان به راه-اندازی کسب و کار
دش پاند (۲۰۱۴)	بازدارنده های کارآفرینی در بین دانشجویان رشته های مدیریت در دانشگاه های هند	بازدارنده های فردی (شامل پایین بودن سطح اعتماد به نفس، نداشتن اطلاعات فنی کافی، ترس از شکست و نداشتن تجربه عملی و کاری مناسب)، بازدارنده های مالی (شامل نداشتن سرمایه اولیه کافی برای آغاز کسب و کار، نبود امکان دسترسی به منابع اعتباری و نبود امکان حمایت مالی خانواده) و بازدارنده های مرتبط با برنامه های درسی (ضعف محتوای درس ها، نبود امکان استفاده از روش های تدریس اثربخش و کارآفرینانه نبودن آموزش ها)

مهارت های کارآفرینانه در پنج عامل: شخصی، عمومی، مدیریتی، راهبردی و فرصت شناسی و نیز بر پایه مرور

همان گونه که در نگاره ی ۱ دیده می شود، بنا بر بررسی هایی چون گریس و آیپوما (۲۰۱۳) و رادمن (۲۰۰۸)،

پژوهش های گوناگون به ویژه کریمی و جوهری (۱۳۹۲)، رضایی (۱۳۹۰)، دش پاند (۲۰۱۴) و شمیر (۲۰۱۳)، بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه در پنج عامل: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، مسایل



### نگاره ۱- چارچوب نظری پژوهش

### جدول ۲- شمار دانشجویان در جامعه آماری و نمونه ها بر پایه دانشکده ی محل تحصیل و جنس

شمار کل نمونه ها در هر دانشکده	شمار به تفکیک مقطع تحصیلی				نام دانشکده
	دکتری		کارشناسی ارشد		
	پسر	دختر	پسر	دختر	
۳۲	۶	۴	۷	۱۵	اقتصاد و توسعه کشاورزی
۱۴۷	۳۹	۲۱	۴۹	۳۸	مهندسی علوم کشاورزی
۱۱۲	۳۱	۸	۴۰	۳۳	مهندسی فناوری کشاورزی
۲۹۱	۷۶	۳۳	۹۶	۸۶	جمع

کشاورزی" در متغیر مکنون ضعف مهارت های نوآورانه و عملی، به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۵، محاسبه شده اند.

در مورد روایی تشخیصی با توجه به این که مقدار میانگین واریانس استخراج شده برای هر متغیر مکنون در مدل های اندازه گیری مهارت های کارآفرینانه و بازدارنده ها، از مقدارهای میانگین مجذور واریانس مشترک و بیشینه ی مجذور واریانس مشترک بین تمامی متغیرهای مکنون، در تک تک مدل های اندازه گیری بزرگتر بود (پهلوان شریف و مهدویان، ۱۳۹۳)، در نتیجه، ابزار تحقیق، روایی تشخیصی مناسبی داشت. به منظور بررسی پایایی ابزار تحقیق نیز از پایایی ترکیبی استفاده شد؛ از آنجایی که مقدار آن برای هر یک از متغیرهای مکنون بزرگتر از ۰/۷ بود، بنابراین، ابزار تحقیق دارای پایایی مناسبی بود.

در نهایت، برای آزمون درست بودن مدل و برازش آن با داده های میدانی از شاخص های گوناگون برازندگی شامل کای اسکوئر نسبی ( $\chi^2/df$ )، میانگین مجذور پسماندها (RMR)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص میزان انطباق (GFI) و شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد که برازش هر دو مدل اندازه گیری در سطح مطلوبی بوده و رابطه منطقی بین متغیرهای مورد بررسی برقرار بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS<sub>win20</sub> و AMOS<sub>20</sub> انجام گرفت (جدول ۳).

ابزار گردآوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه بود که از سه بخش شناسه های فردی و آموزشی دانشجویان، میزان مهارت های کارآفرینانه (شامل پنج عامل: شخصی، عمومی، مدیریتی، راهبردی و فرصت-شناسی) و بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه (شامل پنج عامل: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، مسایل انگیزشی، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، ضعف برنامه ریزی و ضعف مهارت های نوآورانه و عملی) تشکیل شده بود (جدول ۳).

بخش های دوم و سوم، با استفاده از طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم= ۱ تا خیلی زیاد= ۵) مورد سنجش قرار گرفتند. برای تعیین روایی ابزار تحقیق از روایی محتوایی و روایی سازه (شامل روایی همگرا و تشخیصی) استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر سنجی از متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش و پس از انجام اصلاح های ضروری تأیید شد. در زمینه روایی همگرا، همان گونه که از نتایج جدول ۳ مشخص است، بر پایه دو معیار میانگین واریانس استخراج شده برابر و بزرگتر از ۰/۵ و پایایی ترکیبی برابر و بزرگتر از ۰/۷ (هیر و همکاران، ۲۰۱۰)، ابزار تحقیق دارای روایی همگرایی مناسبی بود.

در مدل اندازه گیری بازدارنده ها، مقدارهای میانگین واریانس استخراج شده و پایایی ترکیبی پس از حذف دو متغیر "نبود توجه کافی به برنامه های آموزشی فوق برنامه برای یاددهی مهارت های شغلی و حرفه ای" در متغیر مکنون نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه و "روحیه خطر پذیری ضعیف هیأت علمی و دانشجویان رشته های

جدول ۳- روایی و پایایی ابزار تحقیق و شاخص های برازش مدل های اندازه گیری

مدل اندازه گیری	متغیر مکنون	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	بیشینه ی مجذور واریانس مشترک	میانگین مجذور واریانس مشترک
مهارت های کارآفرینانه	عمومی	۰/۵۲۸	۰/۸۱۵	۰/۳۷۲	۰/۳۴۱
	مدیریتی	۰/۵۳۲	۰/۸۲۴	۰/۳۴۸	۰/۳۲۴
	شخصی	۰/۵۷۲	۰/۸۴۲	۰/۳۷۲	۰/۳۲۷
	راهبردی	۰/۵۰۶	۰/۸۰۳	۰/۳۸۴	۰/۳۵۴
	فرصت شناسی	۰/۶۰۶	۰/۸۶۰	۰/۳۸۴	۰/۳۳۷

شاخص های برازش:  $\chi^2/df=2/128$ , IFI=۰/۹۲۹, RMR=۰/۰۴۲, CFI=۰/۹۲۸, GFI=۰/۸۷۶, RAMSEA=۰/۰۶۸

## ادامه جدول ۳

متغیر	متغیر مکنون	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	بیشینه ی مجذور واریانس مشترک	میانگین مجذور واریانس مشترک
بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت‌محتوای آموزشی کارآفرینانه		۰/۵۹۱	۰/۸۹۶	۰/۳۱۵	۰/۲۱۵
های کارآفرینانه	ضعف مهارت های نوآورانه و عملی	۰/۶۲۳	۰/۸۹۱	۰/۱۴۲	۰/۱۰۸
	ضعف اطلاعاتی-ارتباطی	۰/۵۱۹	۰/۷۶۳	۰/۲۳۹	۰/۱۶۱
	ضعف برنامه ریزی	۰/۵۹۰	۰/۷۴۱	۰/۲۴۲	۰/۱۷۱
	مسائل انگیزشی	۰/۶۴۷	۰/۷۸۵	۰/۳۱۵	۰/۲۱۴

RAMSEA=۰/۰۷۲, GFI=۰/۸۶۲, CFI=۰/۹۱۴, RMR=۰/۰۴۱, IFI=۰/۹۱۵,  $\chi^2/df=۲/۵۳۳$

شاخص های برازش:

## یافته ها

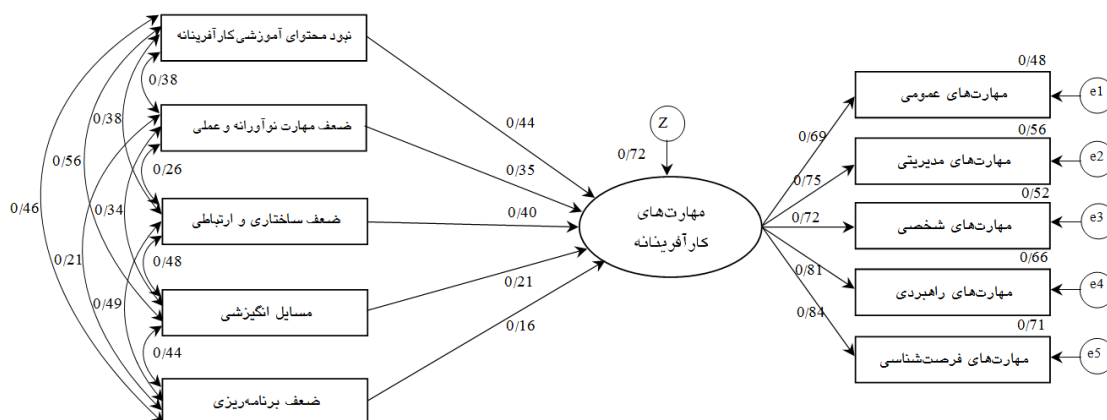
کارآفرینانه، مسایل انگیزشی، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، ضعف برنامه ریزی و ضعف مهارت های نوآورانه و عملی بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان، مدل ساختاری تحقیق اجرا شد که نتیجه ی آن در جدول ۴ و نگاره ۲ درج شده است. در زمینه ی برازش نیکویی مدل ساختاری، یافته های تحقیق نشان دادند که مدل برآورد شده دارای برازش مطلوبی بود. در این زمینه، اشاره به این نکته ضروری است که با توجه به اصلاح های اعمال شده در مدل های اندازه گیری و حذف متغیرهای نامناسب، مدل ساختاری برآورده شده در همان مرحله اول (نخستین مدل اشباع شده)، دارای برازش مناسبی بوده و نیازی به اصلاح نداشت

RAMSEA=۰/۰۷۹, GFI=۰/۸۵۱, CFI=۰/۹۱۲, RMR=۰/۰۵۲, IFI=۰/۹۰۵,  $\chi^2/df=۲/۸۸۷$

همان گونه که در نگاره ی ۲ دیده می شود، پنج متغیر: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، ضعف مهارت نوآورانه و عملی، ضعف ساختاری و ارتباطی، مسایل انگیزشی، ضعف برنامه ریزی، برای بررسی میزان تأثیر هر یک از بازدارنده ها در چارچوب نظری پژوهش شامل: نبود محتوای آموزشی

نتایج تحقیق گویای آن بودند که ۵۹/۲ درصد از دانشجویان مورد بررسی پسر و ۴۰/۸ درصد از آنان دختر بودند. از لحاظ محل سکونت، ۲۹/۱ درصد از پاسخگویان در روستا و ۷۰/۹ درصد در شهر ساکن بودند. میانگین سن دانشجویان، ۲۷/۸ سال با انحراف معیار ۳/۴ بود. هم چنین، بیشترین درصد فراوانی (۵۲/۵ درصد) مربوط به دامنه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال بود. بنا بر نتیجه ی تحقیق مشخص شد که میانگین نمره دانشجویان ۱۷/۶۵ با انحراف معیار ۰/۹۵ بود. از نظر پیشینه ی کار کشاورزی، ۶۱/۴ درصد از دانشجویان بدون پیشینه ی کار کشاورزی و تنها ۳۸/۶ درصد از آنان پیشینه ی کار کشاورزی داشتند. بر پایه اطلاعات گردآوری شده، ۷۴/۷ درصد از پاسخگویان مورد بررسی در دوره های کارآفرینی شرکت نکرده بودند، در حالی که ۲۵/۳ درصد از آنان در این دوره ها شرکت داشته اند.

برای بررسی میزان تأثیر هر یک از بازدارنده ها در چارچوب نظری پژوهش شامل: نبود محتوای آموزشی



نگاره ۲- مدل ساختاری اشباع شده با ضریب های رگرسیونی استاندارد شده



انگیزشی، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، ضعف برنامه ریزی و ضعف مهارت های نوآورانه و عملی، دارای تأثیر منفی و معنی داری بر متغیر وابسته تحقیق بودند. هم چنین، بر پایه میزان ضریب استاندارد که نشان دهنده ی شدت اثر می باشد، دو بازدارنده ی نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه و ضعف اطلاعاتی-ارتباطی دارای بیشترین تأثیر منفی بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان بودند.

بنا بر دست آوردهای تحقیق در مورد برآزش مدل ساختاری تحقیق و میزان واریانس تبیین شده در نگاره ی ۲، می توان چنین نتیجه گرفت که ساختار مدل مناسب می باشد. از این رو، در ادامه به بررسی شدت، جهت و سطح معنی داری ضریب مسیرهای فرض شده در چارچوب نظری پژوهش پرداخته شد (جدول ۴). نتایج به دست آمده در این زمینه گویای آنند که هر یک از پنج متغیر: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، مسایل

**جدول ۴- تأثیر متغیرهای تحقیق بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران**

متغیر	مقدار غیراستاندارد	ضریب رگرسیون استاندارد	مقدار نسبت بحرانی	سطح معنی داری
نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه	-۱/۲۵۷	-۰/۴۳۹	-۶/۰۰۱	۰/۰۱
ضعف اطلاعاتی-ارتباطی	-۱/۱۲۵	-۰/۳۹۸	-۵/۱۰۸	۰/۰۱
ضعف مهارت های نوآورانه و عملی	-۱/۱۱۷	-۰/۳۵۲	-۴/۱۱۴	۰/۰۱
مسایل انگیزشی	-۱/۰۱۰	-۰/۲۰۷	-۲/۷۸۹	۰/۰۱
ضعف برنامه ریزی	-۰/۹۸۴	-۰/۱۵۹	-۲/۱۸۹	۰/۰۵

### بحث و نتیجه گیری

بیشترین تأثیر منفی بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان بودند. در این باره، همان گونه که رضایی (۱۳۹۰) بیان کرده، محتوا به منزله یکی از رکن های اصلی برنامه های آموزشی از جمله آموزش های کارآفرینانه، نقش به سزایی در یادگیری دانشجویان دارد. این در حالی است که در نظام آموزش عالی کشاورزی محتوا و سرفصل های کنونی بر پایه رویکردی نظام مند و واقع گرایانه تدوین نشده و با شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره جامعه به ویژه نیازهای بازار کار تناسب بسیار کمی دارد که نتیجه این مساله، بی کاری شمار زیادی از دانش آموختگان رشته های کشاورزی است.

افزون بر این، برخلاف این که انتظار می رود بر پایه ماهیت فعالیت های کشاورزی، محتوای درس ها نیز تا حدود زیادی کاربردی و تجربی باشند، بیشتر به صورت نظری ارائه می شوند. تأکید بیش از حد بر مفهوم های کمی در آموزش ها و کم توجهی به کیفیت و قدیمی بودن و به روز نبودن محتوای درس ها و سرفصل های کشاورزی نیز از دیگر نارسایی هایی هستند که سبب شده اند تا آموزش های ارائه شده اثربخشی کافی برای تربیت دانش آموختگان توانمند و کارآفرین را نداشته نباشند. با توجه به

با در نظر گرفتن پایین بودن سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی از یک سو و با توجه به اهمیت این مهارت ها به منزله ی یکی از پیش شرط های اصلی برای راه اندازی و آغاز کسب و کار از سوی دیگر، این تحقیق با هدف بررسی بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران انجام گرفت. نتیجه ی تحقیق گویای آن بود که بر پایه مقدارهای شاخص های برآزش، ساختار مدل پژوهش مورد تأیید بود؛ به عبارت دیگر، مدل تدوین شده بر پایه ادبیات نظری و پیشینه تجربی (چارچوب نظری پژوهش) با واقعیت هم خوانی داشته و با داده های میدانی گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفت؛ بر این پایه، پنج عامل: نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، ضعف مهارت های نوآورانه و عملی، مسایل انگیزشی و ضعف برنامه ریزی، دارای تأثیر منفی و معنی داری بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان بوده و ۷۲ درصد از واریانس آن را تبیین کردند.

در بین پنج بازدارنده اشاره شده، به ترتیب سه عامل نبود محتوای آموزشی کارآفرینانه، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی و ضعف مهارت های نوآورانه و عملی، دارای



نیافته و بسیار ضعیفی شکل گرفته و دارای اثربخشی کافی نیست که این مساله به نوبه خود سبب شده است تا دانش و اطلاعات فراگرفته دانشجویان جنبه کاربردی و عملیاتی پیدا نکرده و مهارت های کارآفرینانه در آنان ایجاد نشود. بر پایه نتایج تحقیق، یکی دیگر از بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه در دانشجویان، ضعف مهارت های نوآورانه و عملی بود. در این باره، نتایج تحقیق گویای آن بودند که بیشتر استادان و دانشجویان رشته های کشاورزی ضعف بارزی در مهارت های نوآورانه شامل خطر پذیری و خلاقیت داشته و در نتیجه قادر به ارائه دیدگاه های جدید و نوآورانه، تشخیص و بهره برداری از فرصت های کارآفرینانه و ایجاد و راه اندازی کسب و کارهای جدید نیستند.

هم چنین، به دلیل وجود برخی مساله های فرهنگی و روان شناختی، بیشتر استادان و دانشجویان گرایش زیادی به انجام گروهی کارها و مشارکت در فعالیت های گروهی به منزله ی یکی از پیش شرط های ضروری شکل گیری و توسعه مهارت ها و فعالیت های کارآفرینانه ندارند. افزون بر این، بیشتر دانشجویان کشاورزی تجربه و پیشینه ی فعالیت کشاورزی کمی داشته و به صورت عملی و از نزدیک درگیر فعالیت های کشاورزی نشده اند که در مجموع، وجود چنین نارسایی هایی سبب شده است تا مهارت های کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی در سطح پایینی قرار گیرد. نتایج این بخش از تحقیق نیز با یافته های پژوهش های خسروی پور و منجم زاده (۱۳۹۰)، دش پاند (۲۰۱۴) و شمبیر (۲۰۱۳)، هم خوانی داشتند. بر پایه یافته های به دست آمده از پژوهش، پیشنهاد می شود:

- ۱- با دعوت از استادان صاحب نظر و شناخته شده در حوزه کارآفرینی، برنامه مدونی برای کارگاه ها و دوره های آموزشی مقدماتی و پیشرفته در راستای بهبود سطح مهارت های عملی و کارآفرینی اعضای هیات علمی رشته های گوناگون کشاورزی طراحی و اجرا شود و با دادن گواهی نامه معتبر و امتیاز ترفیع، انگیزه لازم برای شرکت اعضای هیات علمی در این دوره ها فراهم شود.
- ۲- با برگزاری گردش های علمی در محیط های روستایی و آشناسازی دانشجویان با فرصت های شغلی

وجود چنین مساله هایی، همان گونه که از نتایج برمی آید به طور کلی محتوای درس های کشاورزی دارای ماهیت و رویکرد کارآفرینانه نبوده و مهارت های کارآفرینانه ضروری چون مهارت ارتباط مؤثر با بازار، مهارت کار بین رشته ای، مهارت گروه سازی و غیره را در دانشجویان کشاورزی ایجاد و تقویت نمی کنند. نتایج این بخش از تحقیق با یافته های پژوهش های کریمی و جوهری (۱۳۹۲)، رضایی (۱۳۹۰)، دش پاند (۲۰۱۴) و شمبیر (۲۰۱۳)، هم خوانی داشتند.

نتایج تحقیق گویای آن بودند که یکی دیگر از بازدارنده های تأثیرگذار بر سطح مهارت های کارآفرینانه دانشجویان، ضعف اطلاعاتی-ارتباطی بود که اهمیت آن در پژوهش های کریمی و جوهری (۱۳۹۲) و رضایی (۱۳۹۰)، تأیید شده است. در این زمینه، به دلیل نبود برنامه ریزی بهینه، در بسیاری از دانشکده های کشاورزی مراکز مشاوره ای فعال برای هدایت دانشجویان در حوزه های کارآفرینی وجود ندارد و بیشتر استادان نیز به دلیل نداشتن آشنایی و آگاهی کافی در مورد مفهوم های اصلی کارآفرینی، قادر به انتقال اطلاعات و راهنمایی دانشجویان برای راه اندازی و آغاز اصولی یک کسب و کار مشخص نیستند.

اهمیت این مساله با توجه به این-که پایگاه های اطلاعاتی جامع برای ارائه خدمت های اطلاعاتی به دانشجویان کشاورزی در زمینه کارآفرینی وجود ندارد، دو چندان است. این در حالی است، همان گونه که شمبیر (۲۰۱۳)، بیان می دارد، یکی از نیازهای اصلی کارآفرینان، نیازهای اطلاعاتی می باشند که می توانند تا حدود زیادی بستر ضروری برای گسترش کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه را فراهم کنند. یکی دیگر از بازدارنده های مورد تأکید در قالب عامل ضعف اطلاعاتی-ارتباطی، نبود ارتباط کافی و مناسب بین دانشکده های کشاورزی با مراکز تولیدی و صنعتی و واحدهای موفق کسب و کار است. به هر حال، یکی از شیوه های اثربخشی که می تواند زمینه کار عملی و یادگیری تجربی را فراهم کرده و انگیزه، اعتماد به نفس و مهارت دانشجویان را برای راه اندازی کسب و کار افزایش دهد، برقراری ارتباط با بخش های تولیدی به ویژه کسب و کارهای موفق در حوزه کشاورزی و هماهنگی برای فعالیت دانشجویان در آن ها است؛ این در شرایطی است که بنا به دلیل های گوناگون این ارتباط به طور سازمان

در حوزه کشاورزی، دعوت از فعالان بخش صنعت و گروه ها و شبکه های کارآفرینی با حضور دانشجویان، کشاورزی و کارآفرینان موفق برای تدریس بخشی از درس استادان و کارآفرینان موفق، سطح مهارت های کارآفرینانه ها و بیان تجربه های عینی و دیدگاه هایشان و تشکیل دانشجویان بهبود یابد.

#### منبع ها

- آراستی، ز.، سعیدبنادکی، س. و ایمانی پور، ن. (۱۳۹۰). نقش آموزش درس مبانی کارآفرینی در قصد کارآفرینی دانشجویان رشته های غیرمدیریت: مطالعه موردی دانشکده های هنر و ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، فصل نامه توسعه کارآفرینی. ۴ (۱۴)، ۱۰۷-۱۲۴.
- بادسار، م.، صفا، ل. و فتحی، س. (۱۳۹۴). تأثیر عامل های فردی و زمینه ای برگرایش دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان نسبت به اشتغال در روستا، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۷ (۳۲)، ۱۲۳-۱۳۶.
- پهلوان شریف، س. و مهدویان، و. (۱۳۹۳). مدل سازی معادلات ساختاری با AMOS، تهران، انتشارات بیشه.
- حسین پور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۹). بررسی نگرش دانشجویان کشاورزی به کارآفرینی. فصل نامه توسعه کارآفرینی، ۳ (۱۰)، ۱۳۵-۱۵۳.
- حسینی، م.، فرج اله حسینی، ج. و سلیمانپور، م. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران، فصل نامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۱ (۳)، ۱۵۹-۱۶۹.
- خسروی پور، ب. و منجم زاده، ز. (۱۳۹۰). دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع موثر در کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان کشاورزی، فصل نامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۴۲ (۱)، ۱۰۵-۱۱۶.
- رضایی، ر. (۱۳۹۱). مانع های گسترش کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد مطالعه در دانشگاه زنجان، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۱۸ (۳)، ۹۲-۱۰۳.
- رضایی، ر.، کریمی، آ.، میری کرم، ف. و صفا، ل. (۱۳۹۱). بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته های کشاورزی در زمینه کارآفرینی، فصل نامه توسعه کارآفرینی، ۵ (۳)، ۶۵-۸۴.
- زالی، م. و رضوی، م. (۱۳۸۳). بررسی تحلیل آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴ (۱۶)، ۵۱-۸۲.
- زالی، م.، مدهوشی، م. و کردنائیج، ا. (۱۳۸۶). ارزیابی مشخصه های کارآفرینی دانشجویان (مورد بررسی: دانشگاه مازندران)، فصل نامه مدرس علوم انسانی، ۱۱ (۳)، ۸۱-۱۱۳.
- سیدنقوی، م.، صفری، ف. و زارع، ه. (۱۳۹۰). نقش آموزش های کارآفرینی در فرآیند تشخیص فرصت های کارآفرینی، مجموعه مقالات آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، ۸ و ۹ آبان ماه ۱۳۹۰، ۱۸-۱.
- عابدینی بلترک، م. و عقیلی، ر. (۱۳۹۱). بررسی مفهوم کارآفرینی در دانشگاه ها و جایگاه آن در متون اسلامی، مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، ۲۳ آبان ماه ۱۳۹۱، ۱۴-۱.
- کردنائیج، ا. و اکبری، ح. (۱۳۸۶). کارآفرینی سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی، آ. و جوهری، ه. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی (مورد مطالعه: دانشکده های کشاورزی استان تهران)، فصل نامه توسعه کارآفرینی، ۶ (۴)، ۱۵۱-۱۶۷.
- محمدی الیاسی، م.، فراستخواه، م. و فرخ، ش. (۱۳۹۱). مهارت های استادان و مربیان کارآفرینی برای پرورش کارآفرینان نوپا در دانشگاه ها، فصل نامه توسعه کارآفرینی، ۴ (۱۵)، ۱۸۵-۲۰۱.
- مرادی، ح. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۹). شناسایی قابلیت های کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه

کشاورزی و منابع طبیعی رامین اهواز)، فصل نامه توسعه کارآفرینی، ۲ (۸)، ۱۴۱-۱۶۱.  
 میری کرم، ف. (۱۳۹۲). بررسی مولفه های نظام آموزش عالی کشاورزی با تأکید بر ایجاد و توسعه مهارت های کارآفرینانه در دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان.

Adeyemo, S. (2009). Understanding and acquisition of entrepreneurial skills: A pedagogical re-orientation for classroom teacher in science education, *Journal of Turkish Science Education*, 6 (3), 57- 65.

Chuang, A., Liao, W.C. and Tai, W.T. (2005). An investigation of individual and contextual factors influencing training variables, *Social Behavior and Personality*, 33, 159-174.

Collins, L., Hannon, P. and Smith, A. (2004). Enacting entrepreneurial intent: The gaps between student needs and higher education capability, *Journal of Education and Training*, 46 (8/9), 454- 463.

Deshpande, M. (2014). Barriers to entrepreneurship among management students: A case study of S.R.T.M. University, Nanded, India, *Journal of Macro-Theme Review*, 3 (2), 60- 70.

Fayolle, A. and Gailly, B. (2008). From craft to science: Teaching models and learning processes in entrepreneurship education, *Journal of European Industrial Training*, 32(7), 569- 593.

Grace, E. and Ihuoma, I. (2013). Relationship between counselling and entrepreneurship development skill of Nigerian final year undergraduates, *Procedia- Social Behavioral Sciences*, 84 (3), 120- 127.

Hair, J., Black, C., Babin, J. and Anderson, E. (2010). *Multivariate data analysis*, New York, Prentice Hall Publisher.

Krejcie, R. and Morgan, D. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.

Ling, Z., Sweet, R. and Anisef, P. (2003). Consequences and policy implications for university students who have chosen a liberal or vocational education in Canada: Labor market outcomes and employability skills, *Journal of Higher Education Policy*, 16, 55- 85.

Montessory, C. (2006). *The entrepreneurship high school challenge*, Research Report, Northern Kentucky University's fifth third bank entrepreneurship institute.

Olagunju, Y. (2004). *Entrepreneurship small scale business enterprises development in Nigeria*. Ibadan Press Llc.

Oosterbeek, H. and Van Praag, M. (2010). The impact of Entrepreneur education on entrepreneurship skills and motivation, *European Economic Review*, 54, 442- 454.

Papayannakis, L., Kastelli, I., Damigosb, D. and Mavrotasa, G. (2008). Fostering entrepreneurship education in engineering curricula in Greece, Experience and challenge for a Technical University, *Journal of Engineering Education*, 199-210.

Pedhazur, E. (1982). *Multiple Regressions in Behavioral Research: Explanation and Predication*, New York, Reinhart and Winston.

Rasheed, H. (2000). Developing entrepreneurial characteristics in youth: The effects of education and enterprise experience, *International Journal of Entrepreneurship Education*, 2 (4), 1- 24.

Rudmann, R. (2008). *Entrepreneurial skills and their role in enhancing the relative independence of farmers*, Technical Report, Research Institute of Organic Agriculture FiBL.

Sadi, H., Amiri, H. and Ghassempouri, H. (2013). Identify the attitudes of M.Sc. students towards

barriers of agricultural entrepreneurship, in three University of Razi, Bu-Ali-Sina and Ramin in Iran, Journal of Engineering and Applied Sciences, 3 (19), 2371- 2375.

Shambare, R. (2013). Barriers to student entrepreneurship in South Africa, Journal of Economics and Behavioral Studies, 5 (7), 449- 459.

Zampetakis, L., Kafetsios, K., Bouranta, N., Dewett, T. and Moustakis, V. (2009). On the relationship between emotional intelligence and entrepreneurial attitudes and intentions, Journal of Entrepreneurial Behavior and Research, 15 (6), 595- 618.

## **Barriers Affecting the Level of Agricultural Students' Entrepreneurial Skills, University of Tehran, Iran**

**R. Rezaei <sup>1</sup>, F. Mirikaram<sup>2</sup>**

1- Associate professor, Faculty of Agriculture, University of Zanjan

2- M.Sc. Graduate, Faculty of Agriculture, University of Zanjan

### **Abstract**

The purpose of this research was to study the barriers affecting the level of students' entrepreneurial skills. The statistical population of the research consisted of all postgraduate students of agricultural majors at the University College of Agricultural and Natural Resources in the University of Tehran (N= 1188). According to the Krejcie and Morgan table, a sample size of 291 students was selected using a stratified random sampling technique. Researcher- made questionnaire was used to collect data. Content validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts. Construct validity and composite reliability of the research instrument were tested by estimating the measurement model and they were satisfactory after making necessary corrections. The data were analyzed using Structural Equation Modeling. Results showed that, five factors including: lack of entrepreneurial educational content, communicative- informational weakness, weakness of practical and innovative skills, motivational issues and weak planning had significant negative effect on the level of students' entrepreneurial skills, explaining 72 percent the probability of its variances. Also, Results indicated that structure of the research model was confirmed based on the model fit indices and theoretical framework of the research was consistent with reality.

**Index Terms:** Agricultural higher education, entrepreneurial skills, entrepreneurial barriers, educational content.

**Corresponding Author:** R. Rezaei

**Email:** rohollahrezaei@yahoo.com

**Received:** 21/04/2015 ; **Accepted:** 10/08/2015